



نام درس: **دنای ادیب** نام دبیر: **غزاله صادق زاده**

مبحث: **غزل پیرم و گاهی دلم یاد جوانی می کند**

مقطع: **دبستان** پایه: **چهارم - پنجم - ششم**





پیرم و گاهی دلم یاد جوانی می کند

پیرم و گاهی دلم یاد جوانی می کند

همتم تا می رود ساز غزل گیرد به دست

بلبلی در سینه می نالد هنوزم کاین چمن

ما به داغ عشق بازی ها نشستیم و هنوز

نای ما خامش ولی این زهره ی شیطان هنوز

گر زمین دود هوا گردد همانا، آسمان

سال ها شد رفته دمسازم زدست اما هنوز

با همه نسیان تو گویی کز پی آزار من

بی ثمر هر ساله در فکر بهارانم ولی

طفل بودم دزدکی پیر و عليلم ساختند

می رسد قرنی به پایان و سپهر بایگان

"شهریارا" گو دل از ما مهربانان نشکنید

بلبل شوقم هوای نغمه خوانی می کند

طاقتم اظهار عجز و نا توانی می کند

با خزان هم آشتی و گل فشانی می کند

چشم پروین همچنان چشمک پرانی می کند

با همان شور و نوا دارد شبانی می کند

با همین نخوت که دارد آسمانی می کند

در درونم زنده است و زندگانی می کند

خاطرم با خاطرات خود تبانی می کند

چون بهاران می رسد با من خزانی می کند

آنچه گردون می کند با ما نهانی می کند

دفتر دوران ما هم بایگانی می کند

ورنه قاضی در قضا نامهربانی می کند





شرح واژگان و دشواری ها

همت: تلاش
داغ عشق بازی ها: حسرت داشتن یار و محبوب
پروین: ستاره ی پروین - خوشه ی پروین - ثریا - یک صورت فلکی است که از هفت ستاره تشکیل شده.
نای: حلق
زهره: سیاره ی ناهید - در ادبیات فارسی زهره نماد موسیقی و آواز خوانی و شادی کردن است.
شور و نوا: شور و حال و آواز
نخوت: غرور
کز پی: به خاطر
علیل: ناتوان
بایگان: خزانه دار، نگهبان، نام بخشی در ادارات که اعضای آن مسئول ضبط و نگهداری پرونده ها و نامه ها هستند.
قاضی: قضاوت کننده - این جا منظور خداوند
ورنه: وگرنه
قضا: این جا به معنی قضاوت
تبان کردن: توطئه کردن
سپهر: آسمان
دمساز: همدم
نسیان: فراموشی
بی ثمر: بی حاصل



درک مطلب

۱- استاد شهریار در این غزل چگونه دوران پیری خود را توصیف کرده است؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>